

Designing a Neuropsychological Model of Creative Mind Development in Children with Dyscalculia

Pournesaei GHS¹, *Pirkhaefi AR², Sedaghati Fard M³

Author Address

1. PhD Student of Educational Psychology, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran;

2. PhD of Neuropsychology, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran;

3. Assistant Professor of Islamic Azad University of Garmsar, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

*Corresponding Author E-mail: apirkhaefi@gmail.com

Received: 2019 October 23; Accepted: 2020 January 4

Abstract

Background & Objectives: Learning disorder is a problem that affects students' neuropsychological functions. This disorder is basically an inability to perform the expected arithmetic skills in terms of the child's Intelligence Quotient (IQ) and educational level, i.e., assessed by individualized and standardized tests. The present study aimed to design a neuropsychological model of developing creative mind in children with learning disorders.

Methods: This study was a retrospective descriptive–correlational study, based on applied purpose and nature. The study population consisted of 1800 first–to sixth–grade students in Bandar Anzali City, Iran in the academic year of 2018–2019. According to the Guilian Learning Disorders Association, the number of children with dysfunctional arthritis referred to Bandar Anzali Learning Disorders Center was equal to 128. Due to the lack of identification of some other students with learning disabilities or the lack of referral to improve mathematical problems, the researcher referred to the public and private elementary schools. Accordingly, the necessary permission was obtained from the city education department. Using random sampling method, 10 elementary schools were selected from all schools in Bandar Anzali City. After referring to schools and performing the Wechsler Intelligence Scale (2004), KM mathematical test (1988), and interview with class teachers, the total number of children with learning disabilities was estimated to be 223. Of these, 204 participants' IQ scores (memory scores, reasoning, & understanding subscales) on the Wechsler Intelligence Scale ranged from 89 to 103. Besides, the selection of students was conducted with accordance to their IQs, the variable control of intelligence. Those with lower or higher than average IQs were excluded from the study. Subsequently, the Coolidge Personality and Neuropsychological Inventory (2002), Brain Side Effectiveness Test (1965), Torrance Creativity test (1993), Perceptual Motor Questionnaire of Cratty (1967), Corsi Blocks Task (1972), and Memory Rating Scale of Alloway (2008) were performed on the study subjects. Moreover, the conceptual model of research was developed based on Ned Hermann's brain dominance model. Descriptive statistics were used to analyze the obtained data presented by mean and standard deviation. To draw tables, we used SPSS. Furthermore, to test the proposed model, structural equation modeling was used by LISREL software. Additionally, Cronbach's alpha coefficient was used to estimate the significance level of the employed tests. The study inclusion criteria included the lack of experience with the Wechsler Intelligence Scale, the lack of participation in executive function courses, or brain training programs. In addition to observing ethical issues, the researcher was closely supervised in completing the questionnaire and provided the explanations of the research goals to the study participants and their parents; the study samples and their parents were justified in this study as a research study and those who did not wish to participate were excluded from the study. In addition to collecting information, students and their parents were assured that their provided information would be used anonymously. This research was conducted through field and library method. In the field approach, a questionnaire tool is applied and distributed among the study participants to obtain the necessary data for analysis. In the library method, the style of retrieval of related books as well as authoritative scientific articles and sites are considered. The theoretical and empirical backgrounds related to this research were also collected.

Results: The structural equation modeling analysis revealed that the activation of executive functions in two segregated individuals leads to brain creativity; consequently, it improves perceptual–motor, visual–spatial, and memory function. The relevant results suggested a relationship between the variables of executive functions with creativity (Beta=0.36, $p=0.003$). There was also a relationship between creativity and perceptual function (Beta=0.30, $p=0.003$), motion (Beta = 0.21, $p=0.001$), visual–spatial (Beta=0.36, $p=0.003$), and memory (Beta=0.24, $p=0.003$). By fitting the final model, the fit indices were respectively for Chi–squared ($p=0.05$, CIMIN=4.68), comparative fit index (CFI=0.91), and parsimony comparative fit index (PNFI=–0.661), and the root mean square error of estimation (RMSEA=0.06) were calculated. These values indicated that the resulting model had a good fit to the data.

Conclusion: Based on the present study findings, the model designed to improve neuropsychological problems in preschool children was useful. Applying this model could help teachers identify and treat students' neuropsychological issues.

Keywords: Neuropsychology, Creative mind, Dyscalculia.

طراحی الگوی عصب‌روانشناختی خلاق‌سازی ذهن در کودکان دارای اختلال یادگیری حساب نارسا

غزل سادات پورنسایی^۱، *علی‌رضا پیرخائفی^۲، مجتبی صدقاتی‌فرد^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران؛

۲. دکترای نوروبایولوژی، دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران؛

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

*رایانامه نویسنده مسئول: apirkhaefi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱ آبان ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴ دی ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: اختلال یادگیری معضلی است که کارکردهای عصب‌روانشناختی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف این پژوهش، طراحی الگوی عصب‌روانشناختی خلاق‌سازی ذهن در کودکان حساب نارسا بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر، در زمره طرح‌های توصیفی-همبستگی گذشته‌نگر بود. جامعه آماری را ۱۸۰۰ نفر از دانش‌آموزان پایه اول تا ششم شهرستان بندرانزلی تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بودند. ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ده مدرسه ابتدایی از کل مدارس شهرستان انتخاب شد. پس از مراجعه به مدارس، آزمون هوش و کسلر (۲۰۰۴) و آزمون ریاضیات کی‌مت (۱۹۸۸) روی دانش‌آموزان اجرا گردید و تعداد ۲۰۴ نفر از دانش‌آموزان حساب نارسا، انتخاب شدند. پرسشنامه‌های کارکردهای اجرایی (۲۰۰۲)، آزمون غلبه طرفی مغز (۱۹۶۵)، آزمون خلاقیت (۱۳۷۲)، پرسشنامه‌های ادراکی-حرکتی کراتی (۱۹۶۷)، آزمون دیداری-فضایی بلوک‌های کرسی (۱۹۷۲) و آزمون حافظه آلووی (۲۰۰۸) روی این دانش‌آموزان اجرا شد. بررسی الگوی پیشنهادی با نرم‌افزار لیزرل و با استفاده از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری با سطح معناداری ۰/۰۱ صورت گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میان متغیرهای کارکردهای اجرایی با خلاق‌سازی (Beta=۰/۳۶، p=۰/۰۰۳) رابطه وجود دارد؛ همچنین میان خلاق‌سازی با کارکرد ادراکی (Beta=۰/۳۰، p=۰/۰۰۳)، حرکتی (Beta=۰/۲۱، p=۰/۰۰۱)، بینایی-فضایی (Beta=۰/۳۶، p=۰/۰۰۳) و حافظه (Beta=۰/۲۴، p=۰/۰۰۳) رابطه مشاهده می‌شود. با انجام برازش مدل نهایی، شاخص‌های برازش به ترتیب برای مجذور خی (CMIN=۴/۶۸، p=۰/۰۰۵)، شاخص برازش تطبیقی (CFI=۰/۹۱)، مقدار شاخص برازش مقتصد (PNFI=۰/۶۶۱) و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA=۰/۰۶) به دست آمد که نشان داد مدل حاصل برازش مناسبی برای داده‌ها دارد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش حاضر، الگوی طراحی شده بر بهبود مشکلات عصب‌روانشناختی کودکان دبستانی مفید است و استفاده از الگوی مذکور به معلمان کمک خواهد کرد تا این مشکلات دانش‌آموزان را شناسایی و درمان کنند.

کلیدواژه‌ها: عصب‌روانشناختی، خلاق‌سازی ذهن، حساب نارسا.

اختلالات یادگیری^۱ ریاضی در سال ۱۹۹۴ برای اولین بار در چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی مطرح شد. این اختلال اساساً ناتوانی در انجام مهارت‌های حسابی انتظار داشته برحسب توانایی هوشی و سطح آموزشی کودک است که با آزمون‌های انفرادی و استاندارد شده ارزیابی می‌شود. طبق ملاک‌ها DSM-5 فرد مبتلا به ناتوانی ریاضی در تسلط یافتن بر قواعد اعداد و ارقام، جدول ضرب یا محاسبه مشکل دارد؛ از اعداد و بزرگی آن‌ها و روابطشان باهم درک ضعیفی دارد. اعداد یک‌رقمی را با انگشتانش می‌شمارد و نمی‌تواند مثل هم‌کلاسی‌های خود قواعد ارقام را به یاد بیاورد یا وسط محاسبه سردرگم می‌شود و ممکن است روش محاسبه را عوض کند (۱).

یکی دیگر از مفاهیم ضروری در یادگیری، خلاقیت^۲ است. امروزه برای مقابله با مسائل فردی و اجتماعی پیچیده به پرورش افرادی نیاز است که با اتکا به نیروی اراده و تعقل خویش، منطقی و خلاق بیندیشند و به جای وابستگی ناسالم و استفاده صرف از دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی دیگران، مولد دانش، فن‌آوری، فرهنگ مناسب برای زندگی مستقل، فعال و خلاق در عصر دانایی باشند. دانش‌آموزان خلاق باوجود داشتن هوش‌بهر متوسط در بیشتر مواقع عملکردی شبیه دانش‌آموزان تیزهوش با هوش‌بهر زیاد دارند (۲). از سوی دیگر کارکردهای اجرایی^۳ مغز، ساختارهای با اهمیتی بوده که با کمک فرایندهای روان‌شناختی مسئول دراختیارگرفتن هوشیاری^۴ و تفکر و عمل هستند. کارکردهای اجرایی، فرایندهای عالی راهبردهای یادگیری است که مجموعه‌ای از توانایی‌های عالی ذهن شامل خودگردانی، بازداری، انعطاف شناختی و کنترل تکانه را هدایت می‌کند (۳).

به اعتقاد بیکر مغز این آمادگی را دارد که از راه تحریک‌های عصب‌شناختی تغییر یابد؛ یعنی می‌توان با تحریک نیمکره چپ، عملکرد محاسبه کودک‌ان حساب نارسا و با تحریک نیمکره راست عملکرد ادراک کودک‌ان را بهبود بخشید. محققان عنوان کردند، یادگیری زمانی تأثیرگذار است که چهار ربع مغز در فرایند یادگیری مداخله کند؛ کارایی شناختی وقتی اصلاح می‌شود که فعالیت‌های آموزشی منطبق با ترجیحات تفکر باشد (۴). برحسب مدل یک‌پارچه ند هرمن، این پیش‌فرض مطرح شده است که باید تمام چهار ربع مغز در فعالیت‌های یادگیری و آموزشی دخیل باشند. این جمله بدان معنا است که تنها نباید به نیمکره غالب^۵ فرد اکتفا شود؛ به نحوی فعالیت‌های آموزشی کارکردهای اجرایی ارائه می‌گردد که نیمکره مغلوب نیز تقویت می‌شود. این آموزش‌ها خصوصاً در گروه دانش‌آموزان ناتوان یادگیری به دلیل حساسیت و مشکلاتی که در یادگیری دروس دارند، برجسته‌تر است. شیوه‌های آموزشی این پژوهش، به نحوی طراحی شده است که به صورت پویا و همه‌جانبه هر

چهار ربع مغز را درگیر امر آموزش کند (۵).

الگوی عصب‌روان‌شناسی خلاق‌سازی ذهن، کاربست ارتباط بین خلاقیت و مغز است؛ همچنین ارزیابی عصب‌روان‌شناسی کاربرد این دانش برای ارزیابی و مداخله در تفکر خلاقانه انسان است که با عملکرد بهنجار و نابهنجار سیستم عصبی مرکزی ارتباط دارد (۶). الگوی عصب‌روان‌شناختی خلاق‌سازی ذهن، شامل آزمون‌های کارکردهای اجرایی، برای فعال‌سازی این کارکردها در جهت بررسی عملکرد خلاقیت هر دو نیمکره مغز در محیطی بالینی بوده که برای کاهش مشکلات ادراکی-حرکتی^۶ و بینایی-فضایی^۷ و حافظه^۸ کودکان حساب نارسا است. این مطالعه، رشته‌ای تجربی در روان‌شناسی بوده که هدف آن درک چگونگی عملکرد نیمکره‌های مغز است؛ همچنین تشخیص و درمان اثرات رفتاری و شناختی اختلال‌های عصبی شامل مهارت‌های ادراکی و حافظه و بینایی-فضایی را تحت بررسی قرار می‌دهد؛ درحالی‌که نظریه‌های کلاسیک ذهن بر سیستم عصبی متمرکز شده‌اند. عصب‌روان‌شناختی به دنبال این است که چگونه مغز و ذهن باهم در ارتباط هستند. به این ترتیب بخش درخورتوجهی از الگوی عصب‌روان‌شناختی خلاق‌سازی ذهن به مغز و سیستم‌های عصبی رفتاری مربوط می‌شود. الگوی عصب‌روان‌شناختی خلاق‌سازی ذهن به بهبود بدکارکردی مغزی در انسان می‌پردازد و درحقیقت تلاش این الگو در جهت ضبط فعالیت‌های الکتریکی است (۷).

پژوهش‌های متعددی در رابطه با تأثیر خلاقیت و کارکردهای اجرایی بر بهبود مشکلات یادگیری کودک‌ان مبتلا به اختلال یادگیری انجام شده است. آبخو دارستانی و استکی (۸) به این نتیجه دست یافتند که بین مشکل ریاضی و کارکردهای اجرایی و همچنین بین حل مسئله و مشکل ریاضی رابطه وجود دارد. شاه‌جویی و پیرخانی (۹) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش خلاقیت می‌تواند موجب افزایش ادراک فضایی و توان حافظه ریاضی دانش‌آموزان تحت آموزش شود. مطالعه قمری گیوی (۱۰) مشخص کرد کودک‌انی که از ناتوانی در یادگیری رنج می‌برند، درمقایسه با کودک‌ان بهنجار و کودک‌ان دارای اختلال نقص‌توجه/بیش‌فعالی، اختلال بیشتری در کارکردهای اجرایی دارند. پیرخانی و سجادی منز (۱۱) نشان دادند که الگوی بالینی خلاقیت درمانی توانسته است افزایش معناداری را در انگیزش درونی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان گروه آزمایش درمقایسه با گروه کنترل به وجود آورد. همچنین دیویا سادانا و همکاران (۱۲) دریافتند کارکردهای عصب‌شناختی خلاقیت در گروه هنرمندان بیشتر از گروه افراد عادی است. اسپرت و همکاران (۱۳) به این نتیجه رسیدند که بین افزایش دویامین و خلاقیت رابطه‌ای وجود ندارد. گونزالس کاریپو و همکاران (۱۴) در پژوهش خود دریافتند که کودک‌ان دارای اختلال نارسایی توجه و فزون‌کنشی در برخی زمینه‌ها از قبیل جنبش یا عمل، بیان عاطفی و گفتاری، تجسم غیرمعمول، طنز یا فانتزی خلاقیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. همچنین در مطالعه ناسام و همکاران (۱۵) مشخص

6. Perceptual-motor

7. Spatial-Visual

8. Memory

1. Learning Disability

2. Creativity

3. Executive Function

4. Consciousness

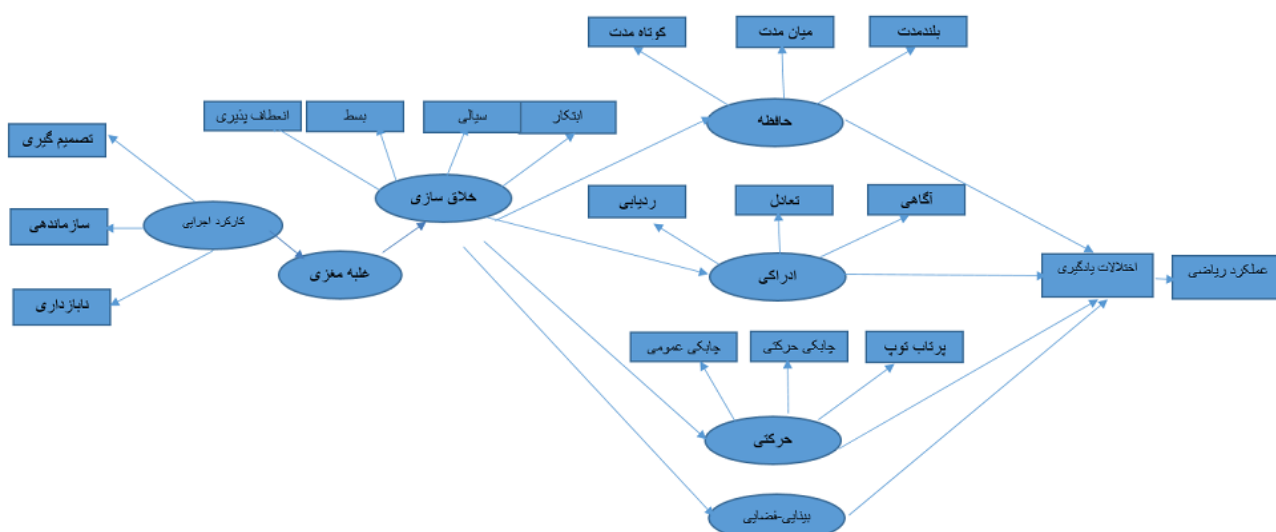
5. The dominant hemisphere

تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بودند. با استعلام از انجمن اختلال یادگیری استان گیلان، تعداد کودکان حساب نارسای مراجعه‌کننده به مرکز اختلال یادگیری شهرستان بندرانزلی، ۱۲۸ نفر بود. باتوجه به شناسایی‌نشدن برخی دیگر از دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری حساب نارسا یا مراجعه‌نکردن جهت بهبود مشکلات ریاضی، محقق با کسب مجوز لازم از اداره آموزش و پرورش شهرستان، به مدارس ابتدایی اعم از دولتی و غیرانتفاعی شهرستان مراجعه کرد. ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ده مدرسه ابتدایی از کل مدارس شهرستان بندرانزلی انتخاب شد. در ادامه پس از مراجعه به مدارس و اجرای تست وکسلر (۲۰۰۴) و آزمون ریاضی کی‌مت (۱۹۸۸) و نیز مصاحبه با معلم کلاس، تعداد کل کودکان دارای اختلال یادگیری حساب نارسا، ۲۲۳ نفر برآورد گردید. از این تعداد، ۲۰۴ نفر حاضر به مشارکت شدند که نمره هوش بهرشان (نمرات حافظه، استدلال، فهم) در مقیاس هوشی وکسلر بین ۸۹ تا ۱۰۳ قرار داشت. همچنین علت انتخاب دانش‌آموزان با بهره هوشی ذکرشده، کنترل متغیر هوش بود تا افراد دیرآموز یا دارای بهره هوشی بیشتر از متوسط، وارد پژوهش نشوند. از سوی دیگر، این پژوهش در شهرستان بندرانزلی انجام پذیرفت و باتوجه به تعداد محدود جامعه آماری، کفایت نمونه تأمین نشد. پس از آن، پرسشنامه‌های کارکردهای اجرایی کولیچ (۲۰۰۲)، آزمون غلبه طرفی مغز چاپمن و ادینبورگ (۱۹۶۵)، آزمون خلافت عابدی (۱۳۷۲)، پرسشنامه‌های ادراکی-حرکتی کراتی (۱۹۶۷)، آزمون دیداری-فضایی بلوک‌های کرسی (۱۹۷۲) و آزمون حافظه آلوی (۲۰۰۸) روی آن‌ها اجرا گردید و مدل مفهومی پژوهش با اقتباس از الگوی غلبه مغزی ند هرمن (۵) مطابق با نمودار ۱ ارائه شد.

شد که دستورعمل صریح مبنی بر تمرکز بر تولید ایده‌های خلاقانه باعث افزایش توانایی هوش و حافظه کاری بر عملکرد خلاقانه می‌شود. ترکیب توانش‌ها و نقایص در افراد با اختلال یادگیری غیرکلامی^۱، اغلب به ناهماهنگی میان مهارت‌های آن‌ها و محیط‌شان منجر می‌شود که افزایش خطرهای آموزشی و هیجانی و اجتماعی را در پی دارد. برآورد زیاد از توانایی‌های کلی کودک در زمینه‌های کلامی و رمزگشایی، می‌تواند به تصور غلط از بهنجاری باوجود نواقص در سایر زمینه‌ها منجر شود. احتمال ابتلا به افسردگی و اضطراب و مشکلات هیجانی در کودک دارای اختلال یادگیری ریاضی زیاد است (۱). به دلیل اهمیت تشخیص ناتوانی یادگیری خاص ریاضی از پیشرفت کم در درس ریاضی به علل مختلف (آموزش ناکافی، شیوه‌های ناکارآمد تدریس، مشکلات عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان) در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و سودمندی آموزش اثربخش با شیوه‌های متنوع آموزشی و محتواهای غنی آموزشی براساس الگوی عصب‌روان‌شناختی خلاق‌سازی ذهن، همچنین فقدان برنامه تدوین‌شده‌ای که بتواند مهارت‌های تحصیلی دانش‌آموزان را بیشتر کند و نیز بتواند اختلال یادگیری را تشخیص دهد و فقدان پژوهش در این زمینه در داخل کشور و نیز باتوجه به اینکه بیشتر مطالعات انجام‌شده در زمینه خلاقیت در دانش‌آموزان عادی است، هدف از انجام پژوهش حاضر این بود که الگوی عصب‌روان‌شناختی خلاق‌سازی ذهن را تحت برآزش قرار دهد.

۲ روش بررسی

این مطالعه براساس هدف کاربردی و براساس ماهیت، در زمره طرح‌های توصیفی-همبستگی گذشته‌نگر بود. جامعه پژوهش حاضر را ۱۸۰۰ نفر از دانش‌آموزان پایه اول تا ششم شهرستان بندرانزلی



نمودار ۱. الگوی عصب‌روان‌شناختی خلاق‌سازی ذهن (اقتباس از الگوی غلبه مغزی ند هرمن)

^۱. Non-Verbal

خرده‌مقیاس تصمیم‌گیری و سازمان‌دهی و نابازداری را می‌سنجد. سؤالات یک تا هشت زیرمقیاس تصمیم‌گیری-برنامه‌ریزی و سؤالات نه تا شانزده زیرمقیاس سازمان‌دهی و سؤالات هفده تا نوزده زیرمقیاس نابازداری را می‌سنجد. دامنه نمرات بین ۰ تا ۳ است. نمرات بیشتر نشان‌دهنده مشکلات در هر زیرمقیاس است. آلفای کرونباخ در پژوهش کولچ، ۰/۷۱ و همسانی درونی برای سازمان‌دهی و تصمیم‌گیری و بازداری به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۹ و ۰/۸۱ به دست آمد (۱۷). همچنین آلفای کرونباخ کل مقیاس در نسخه فارسی ۰/۹۰ بود. همسانی درونی برای سازمان‌دهی ۰/۸۱ و تصمیم‌گیری ۰/۸۲ و بازداری ۰/۵۶ محاسبه شد (۱۸).

- چک‌لیست مشاهده‌ای ارزیابی برتری طرفی (۱۹۶۵): این پرسشنامه شامل ارزیابی برتری دست چپمن و ادینبورگ از جدول رشد عصبی-مغزی کودک دلاکتو^۲ است. ارزیابی برتری طرفی هر اندام، شامل یک تا هشت فعالیت می‌شود. پاسخ آزمودنی‌ها به فعالیت‌ها با سه گزینه اندام راست (دو نمره) در ستون پاسخ R و اندام چپ (دو نمره) در ستون پاسخ L و دو سو توان (دو نمره) یک‌نمره در ستون پاسخ راست و یک‌نمره در ستون پاسخ چپ، مشخص و نمره‌گذاری می‌شود. نمرات برتری طرفی در پیوستاری از ۱۰۰ تا ۱۰۰+ است که افراد چپ‌برتر نمراتی در گستره ۱۰۰ تا ۴۰- و افراد دو سو توان نمراتی در گستره ۴۰- تا ۴۰+ و افراد راست‌برتر نمراتی در گستره ۴۰- تا ۱۰۰+ می‌گیرند. ضریب آلفای کرونباخ برای هر دو جنس ۰/۹۶ به دست آمد و روایی برای پسران ۰/۹۷ و برای دختران ۰/۹۶ محاسبه شد (۱۹). در پژوهش علی‌پور آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۹۴ و همبستگی دو نیمه آن ۰/۹۴ و قابلیت اعتماد بازآزمایی آن ۰/۹۲ به دست آمد (۲۰).

- آزمون خلاقیت تورنس^۳ (۱۳۷۲): این آزمون در واقع شکل کوتاه‌شده و استاندارد آزمون خلاقیت تورنس است که توسط دکتر عابدی ساخته شد. آزمون تفکر خلاق تورنس فرم B (تصویری) دارای سه تکلیف مجزا بوده و چهار عامل سیالی، ابتکار، بسط و انعطاف‌پذیری را تحت سنجش قرار می‌دهد. نمره‌گذاری بین ۲۰ تا ۱۲۰ دامنه نمره کل خلاقیت بین ۱۲۰ تا ۱۲۰ است. نمرات بیشتر به معنای خلاقیت زیادتر است. در نسخه اصلی برای خرده‌آزمون‌های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۸ به دست آمد (۲۱). در ایران در روش ضریب همسانی درونی آلفای کرونباخ برای ۸۱۹ دانش‌آموز، در خرده‌آزمون‌های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۴۸، ۰/۶۸ و ۰/۵۵ محاسبه شد (۲۲).

- مقیاس هوش و کسلر کودکان نسخه چهارم (۲۰۰۴)^۴: چهارمین ویرایش مقیاس هوش و کسلر کودکان از مقیاس اصلی و کسلر-بلویو^۵ نشأت گرفته است. این مقیاس توسط دکتر عابدی در ایران تدوین شد و امکان اندازه‌گیری کنش‌وری کلی عقلانی و چهار شاخص درک کلامی، استدلال ادراکی، حافظه فعال و سرعت پردازش را فراهم

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی به منظور ارائه میانگین و انحراف معیار و ترسیم جداول با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ و به منظور آزمون مدل پیشنهادی پژوهش، از روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل استفاده شد. شاخص‌های آماری رایج‌تر در برازش مدل، شامل برازش مطلق (آماره مجذور خی (CMIN))، شاخص‌های برازش مقتصد ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)، شاخص برازش مقتصد هنجار شده (PNFI) و شاخص‌های برازش تطبیقی (CFI) محاسبه شدند؛ در صورتی‌که شاخص مجذور خی از لحاظ آماری معنادار نباشد، بر برازندگی مناسب الگو دلالت می‌کند؛ اما این شاخص در نمونه‌های بزرگ‌تر معمولاً معنادار است و از این رو شاخص مناسبی برای برازندگی الگو تلقی نمی‌شود. مقدار نزدیک عدد یک برای شاخص‌های CFI و NFI و مقادیر بیشتر از ۰/۵ برای شاخص برازش مقتصد هنجار شده و مقدار کوچک‌تر یا مساوی ۰/۰۵ برای شاخص RMSEA بر برازندگی مناسب دلالت دارد. مدل اندازه‌گیری بیانگر بارهای عاملی متغیرهای مشاهده‌شده برای هر متغیر است. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد رابطه ضعیف بوده و بار عاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ متوسط و بزرگ‌تر از ۰/۶ خیلی مطلوب است. در میان شاخص‌های برازش رایج در مدل‌های اندازه‌گیری اگر نسبت خی دو به درجه آزادی کمتر از دو باشد، مدل برازش مناسبی دارد. شاخص RMSEA کمتر از ۰/۰۵ مطلوب است. سایر شاخص‌ها نیز هر چقدر به یک نزدیک‌تر بوده، مطلوب‌ترند (۱۶). همچنین جهت برآورد سطح معناداری آزمون‌ها، آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ها محاسبه شد.

ملاک ورود به پژوهش شامل نبود سابقه ارزیابی شدن توسط مقیاس هوشی و کسلر و شرکت نکردن در دوره‌های کارکردهای اجرایی و آموزش غلبه مغزی بود. همچنین به لحاظ رعایت موضوعات اخلاقی، پژوهشگر نظارت دقیقی بر تکمیل پرسشنامه داشت و توضیحات لازم درخصوص اهداف پژوهش به شرکت‌کنندگان و والدینشان داده شد. افراد نمونه و والدین آن‌ها توجیه شدند که این مطالعه تنها تحقیق پژوهشی است و کسانی که مایل نیستند می‌توانند شرکت نکنند. همچنین در رابطه با جمع‌آوری اطلاعات به دانش‌آموزان و والدینشان اطمینان داده شد که اطلاعات به دست آمده از پژوهش به صورت محرمانه و بی‌نام استفاده می‌شود. این پژوهش به روش میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفت. به این شکل که در روش میدانی با استفاده از ابزار پرسشنامه و توزیع آن در بین دانش‌آموزان، داده‌های لازم جهت تحلیل و بررسی گردآوری شدند. در روش کتابخانه‌ای به سبک فیش‌برداری از کتب مربوط و همچنین استفاده از مقالات معتبر علمی و سایت‌ها و فصلنامه‌های علمی پژوهشی پیشنهادی نظری و تجربی مرتبط با این پژوهش جمع‌آوری شد. آزمون کارکردهای اجرایی کولچ^۱ (۲۰۰۲): این پرسشنامه توسط کولچ و همکاران به منظور سنجش چندین اختلال عصب‌روان‌شناختی و رفتاری کودکان و نوجوانان ۵ تا ۱۷ ساله ساخته شد. پرسشنامه، سه

^۵. Wechsler-Bellevue

^۱. Coolidge Personality and Neuropsychological Inventory

^۲. Delacato

^۳. Creativity test

^۴. Wechsler Intelligence Scale for Children (WISC-IVCDN)

می‌آورد. ضریب اعتبار بهره‌ هوشی کل در نسخه وکسلر برابر با ۰/۹۷ گزارش شده است (۲۳). جهت محاسبه‌ روایی همبستگی نمرات سی نفر با آزمون ریون و وکسلر کودکان تجدیدنظرشده محاسبه شد که میزان آن به ترتیب ۰/۳۸ و ۰/۲۵ به دست آمد و در سطح ۰/۰۵ معنادار بود (۲۴).

– آزمون ریاضی کی مت (۱۹۸۸): آزمون ریاضی کی مت^۱ توسط کنولی^۲ ساخته شد. این آزمون از لحاظ موضوع و توالی شامل سه بخش مفاهیم اساسی و عملیات و کاربردها است. هر بخش به سه یا چهار حیطه تقسیم می‌شود. حوزه مفاهیم اساسی از سه آزمون فرعی شمارش، اعداد گویا، هندسه و حوزه عملیات از جمع، تفریق، ضرب، تقسیم، محاسبه ذهنی و حوزه کاربرد از پرسش‌هایی برای اندازه‌گیری، زمان، پول، تخمین، تفسیر داده‌ها، حل مسئله، تشکیل شده است. این آزمون در ایران روی دانش‌آموزان ۸ تا ۱۱ سال، توسط محمداسماعیل و هومن هنجاریایی شد. نقطه برش در این آزمون، ۵۸ بوده و نمرات کمتر نشانه مشکلات در ریاضیات است. پایایی آزمون به روش آلفای کرونباخ ۰/۶۷ و ۰/۶۸ به دست آمد (۲۵).

– آزمون سنجنش توانایی‌های ادراکی- حرکتی کراتی (۱۹۶۷): این آزمون توسط کراتی به منظور ارزیابی توانایی ادراکی- حرکتی دانش‌آموزان ساخته شد و شامل این آزمون‌ها می‌شود: ۱. آگاهی و درک از بدن؛ ۲. چابکی عمومی؛ ۳. تعادل؛ ۴. چابکی حرکتی؛ ۵. پرتاب توپ؛ ۶. ردیابی حرکت توپ. هر کدام دارای پنج مرحله اجرایی است که آزمودنی امتیازی بین صفر تا پنج را به دست می‌آورد. کسب امتیاز کمتر به عنوان عملکرد ضعیف و امتیازهای بیشتر به عنوان عملکرد خوب ارزیابی می‌شود. این پرسشنامه در نسخه کراتی، دارای روایی و پایایی به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۹۳ است (۲۶). روایی و پایایی نمره کل آزمون در نسخه فارسی به ترتیب ۰/۶۱ و ۰/۵۹ به دست آمد (۲۷).

– تکلیف بلوک‌های کرسی^۳ (۱۹۷۲): تکلیف بلوک‌های کرسی، آزمونی قدرت‌مند برای نورولوژیست‌های بالینی و روان‌شناسان تحولی و شناختی است. شکل اولیه بلوک‌های کرسی شامل نه مکعب می‌شود که به صورت نامنظم روی تخته‌ای در اندازه ۲۸×۲۳ سانتی‌متر چیده شده است. یک آیت به آزمودنی ارائه می‌شود؛ به این ترتیب که آزمونگر به صورت متوالی به یک سری از نه مکعبی که روی تخته بوده، اشاره می‌کند و آزمودنی باید همان توالی حرکات را تکرار نماید. این فراخوانی مستقیم می‌تواند حافظه کوتاه مدت دیداری- فضایی را ارزیابی کند. با زیاد شدن تعداد مکعب‌ها و با افزایش پیچیدگی ترتیب

برای آن‌ها، آیت‌ها مشکل‌تر خواهد شد. در سنجنش حافظه فعال دیداری- فضایی، از آزمودنی خواسته می‌شود که برعکس توالی عناصر مشخص شده توسط آزمونگر را نشان دهد؛ به این معنا که عنصر آخر به عنوان عنصر اول توالی و عنصر اول آن به عنوان عنصر آخر در نظر گرفته شود. مطالعات نشان می‌دهد که تکلیف، ابزار مناسبی برای سنجنش مؤلفه دیداری- فضایی حافظه فعال و کوتاه مدت است. در پژوهش کرسی، آلفای روایی و پایایی آزمون به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۷۱ به دست آمد (۲۸). مبین اعتبار این آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸ گزارش کرد (۲۹).

– آزمون حافظه آلوی^۴ (۲۰۰۸): ابزار استفاده شده در این پژوهش، مقیاس سنجنش حافظه کاری آلوی و همکاران بود. بیست گویه دارد و به هر گویه آن نمره‌ای بین صفر تا سه تعلق می‌گیرد. این مقیاس در انگلستان هنجاریایی شد و توسط معلم و دستیاران آموزشی تکمیل می‌شود که تماس زیادی با کودک و شناخت خوبی از او دارند. محیط سنجنش باید آرام و ساکت باشد. اجرای آزمون تقریباً پنج تا ده دقیقه طول می‌کشد. نمره کل باید وقتی به همه سؤال‌ها پاسخ داده می‌شود، حساب شده و پس از آن نمره کل به مربع پایین صفحه منتقل شود. برای تکمیل فرم لازم، هیچ آموزش رسمی وجود ندارد. سپس نمرات خام به نمرات تی تبدیل می‌شوند. برای محاسبه پایایی آزمون، آلفای کرونباخ و همسانی درونی به کار رفت و نمره ۰/۸۱ به دست آمد. برای محاسبه روایی آزمون، ضریب همبستگی میان مقیاس سنجنش حافظه کاری با دروس خواندن و ریاضی با استفاده از نمرات کارنامه‌ای دروس بچه‌ها در نیمسال اول محاسبه شد که ۰/۹ بود (۳۰). ضریب همبستگی این مقیاس نیز با مقیاس سنجنش حافظه وکسلر کودکان مقایسه شد. این آزمون برای کودکان در شیراز و چهارمحال بختیاری و تهران هنجاریایی و پایایی سنجی شده است. دامنه ضرایب پایایی در پژوهش عابدی و همکاران از طریق تصنیف ۰/۶۵ تا ۰/۹۴ به دست آمد (۲۲).

۳ یافته‌ها

در این پژوهش ۲۰۴ دانش‌آموز جهت بررسی طراحی الگوی عصب‌روان‌شناختی خلاق‌سازی ذهن در دانش‌آموزان حساب نارسا، بررسی شدند. اطلاعات دموگرافیک شرکت‌کنندگان از قبیل جنسیت و رده سنی و پایه تحصیلی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. اطلاعات دموگرافیک شرکت‌کنندگان

سطح متغیر	متغیر	درصد	تعداد
جنسیت	دختر	۱۰۵	۵۱/۵۰
	پسر	۹۹	۴۸/۵۰
	کل	۲۰۴	۱۰۰
سن	هفت سال	۲۳	۱۱/۳۰
	هشت سال	۴۳	۲۰/۶۰
	نه سال	۸۱	۳۹/۷۰

۳. Corsi Blocks Task

۴. Alloway

۱. Keymath

۲. Connolly

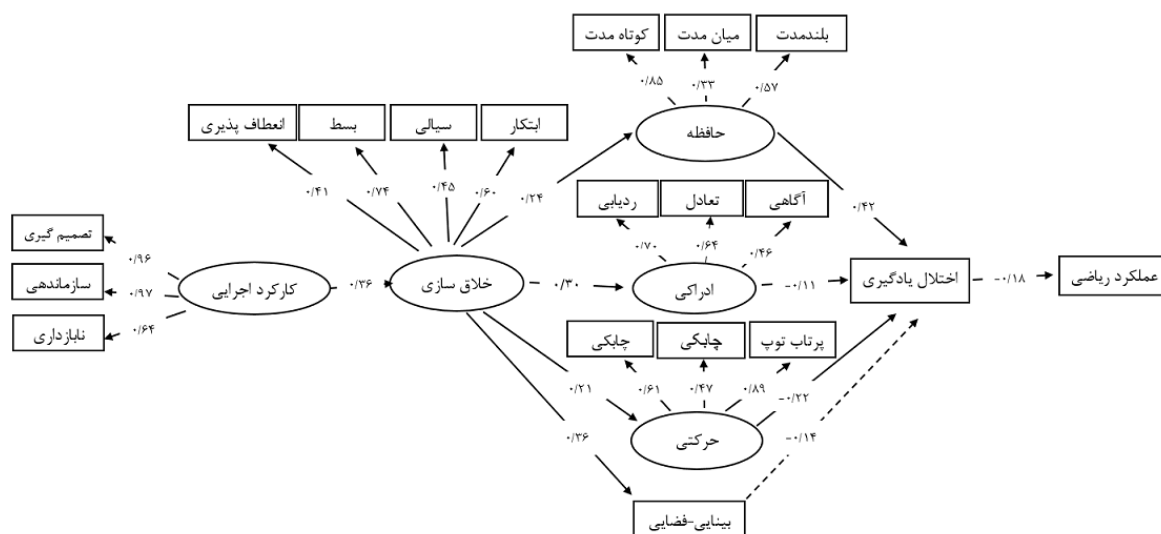
ده سال	۲۹	۱۴/۲۰
یازده سال	۲۹	۱۴/۲۰
کل	۲۰۴	۱۰۰
اول	۲۳	۱۱/۳۰
دوم	۴۳	۲۱/۱۰
سوم	۸۱	۳۹/۷
چهارم	۲۸	۱۳/۷
پنجم	۲۹	۱۴/۲
کل	۲۰۴	۱۰۰

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیرهای کارکرد ادراکی، غلبه مغزی، خلاقیت، ادراکی- حرکتی، بینایی- فضایی و حافظه

متغیر	میانگین	انحراف معیار
تصمیم‌گیری	۴/۷۳	۲/۰۱
سازمان‌دهی	۴/۷۷	۱/۹۸
نابازداری	۱/۸۳	۱/۱۱
کارکرد اجرایی	۱۱/۳۴	۴/۴۸
دست‌برداری	۱۹/۱۴	۴۰/۵
ابتکار	۹۷/۲۶	۱۳/۰۱
سیالی	۲۵/۲۲	۳/۸۷
انعطاف‌پذیری	۲۱/۷۶	۳/۴۸
خلاقیت	۱۶۳/۵۱	۱۴/۰۳
آگاهی و ادراک از بدن	۱۹/۷۸	۱/۹۳
چابکی عمومی	۲۰/۹۵	۲/۰۲
تعادل	۲۰/۹۱	۱/۸
چابکی حرکتی	۲۰/۶۵	۱/۵۷
پرتاب توپ	۱۹/۷۷	۱/۰۷
ردیابی حرکتی	۲۰/۶۵	۱/۵۷
ادراکی- حرکتی	۱۲۲/۷۴	۵/۴۴
بینایی- فضایی	۳/۹	۰/۹۹
حافظه کوتاه‌مدت	۳/۹۶	۱/۹۷
حافظه میان‌مدت	۳/۴۸	۱/۵۷
حافظه بلندمدت	۴/۱۸	۱/۹۴
حافظه	۱۱/۶۲	۳/۵۱
اختلال یادگیری ریاضی	۱۹۹/۶۶	۴/۹۴
عملکرد ریاضی	۱۷/۴۴	۱/۶

جدول ۳. مقدار آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای پرسشنامه‌های پژوهش

پرسشنامه	مقدار آلفای کرونباخ
کارکردهای اجرایی	۰/۸۰
برتری طرفی	۰/۸۲
خلاقیت	۰/۷۹
هوش و کسلر	۰/۶۹
ریاضیات کی‌مت	۰/۵۹
ادراکی- حرکتی	۰/۶۰
بینایی- فضایی	۰/۷۸
آزمون حافظه	۰/۶۶



نمودار ۲. معادلات ساختاری عصب روان شناختی خلاق سازی ذهن بر کارکردهای ادراکی- حرکتی و بینایی- فضایی و حافظه ای

جدول ۴. بررسی تفاوت معنادار وزن های رگرسیونی استاندارد و غیر استاندارد بارهای عاملی متغیرهای پنهان

متغیر	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	خطای استاندارد	مقدار بحرانی	مقدار احتمال
کارکردهای اجرایی --- تصمیم گیری	۰/۹۸۳	۰/۹۶	۰/۱۱۱	۴/۲۶۳	۰/۰۰۱
کارکردهای اجرایی --- سازماندهی	۰/۹۷۶	۰/۹۷	۰/۲۲۴	۴/۱۱۱	۰/۰۰۱
کارکردهای اجرایی --- نابازداری	۰/۶۸۵	۰/۶۴	۰/۳۳۱	۲/۴۴۷	۰/۰۰۴
کارکردهای اجرایی --- خلاقیت	۰/۴۱۴	۰/۳۶	۰/۲۷۶	۲/۶۹۰	۰/۰۰۳
خلاق سازی --- ابتکار	۰/۶۸۵	۰/۶۰	۰/۲۱۴	۳/۶۵۵	۰/۰۰۱
خلاق سازی --- سیالی	۰/۵۱۵	۰/۳۵	۰/۳۱۷	۴/۱۲۱	۰/۰۰۱
خلاق سازی --- بسط	۰/۷۶۳	۰/۷۴	۰/۲۳۳	۳/۲۳۹	۰/۰۰۱
خلاق سازی --- انعطاف پذیری	۰/۴۱۲	۰/۴۱	۰/۷۳۴	۳/۲۰۰	۰/۰۰۱
خلاق سازی --- حافظه	۰/۲۶۲	۰/۲۴	۰/۰۱۰	۲/۷۴۱	۰/۰۰۳
خلاق سازی --- ادراکی	۰/۲۸۶	۰/۳۰	۰/۱۴۷	۲/۷۳۱	۰/۰۰۳
خلاق سازی --- حرکتی	۰/۴۸۱	۰/۲۱	۰/۰۰۸	۳/۹۳۱	۰/۰۰۱
خلاق سازی --- بینایی- فضایی	۰/۳۶۶	۰/۳۶	۰/۱۶۱	۲/۶۶۰	۰/۰۰۳
حافظه --- کوتاه مدت	۰/۸۸۸	۰/۸۵	۰/۳۲۳	۴/۲۱۰	۰/۰۰۱
حافظه --- میان مدت	۰/۶۸۵	۰/۳۳	۰/۲۹۹	۲/۸۴۱	۰/۰۰۱
حافظه --- بلند مدت	۰/۵۷۰	۰/۵۷	۰/۴۳۲	۳/۴۱۱	۰/۰۰۱
ادراکی --- آگاهی	۰/۶۸۴	۰/۴۶	۰/۲۳۹	۲/۴۲۰	۰/۰۰۴
ادراکی --- تعادل	۰/۷۸۰	۰/۶۴	۰/۶۵۲	۳/۴۷۳	۰/۰۰۱
ادراکی --- ردیابی	۰/۷۵۸	۰/۷۰	۰/۱۹۶	۴/۶۵۱	۰/۰۰۱
حرکتی --- پرتاب توپ	۰/۹۹۱	۰/۸۹	۰/۳۷۳	۲/۳۲۰	۰/۰۰۴
حرکتی --- چابکی عمومی	۰/۵۷۴	۰/۴۷	۰/۴۳۲	۲/۴۱۷	۰/۰۰۴
حرکتی --- چابکی حرکتی	۰/۶۸۶	۰/۶۱	۰/۳۳۲	۲/۸۱۴	۰/۰۰۳
حافظه --- اختلال یادگیری	-۰/۰۵۱	-۰/۴۲	۰/۱۲۲	-۲/۵۶۶	۰/۰۰۳
ادراکی --- اختلال یادگیری	-۰/۰۲	-۰/۱۱	۰/۰۸	-۲/۲۳	۰/۰۰۳
حرکتی --- اختلال یادگیری	-۰/۱۷۱	-۰/۲۲	۰/۱۲۱	-۲/۱۴۶	۰/۰۰۳
بینایی- فضایی --- اختلال یادگیری	-۰/۲۷۳	-۰/۱۴	۰/۱۳۶	-۳/۹۸۱	۰/۰۰۱
اختلال یادگیری --- عملکرد ریاضی	-۰/۲۱۰	-۰/۱۸	۰/۰۰۳	-۳/۶۴۱	۰/۰۰۱

در مدل ساختاری، متغیرهای کارکردهای اجرایی، غلبه مغزی، خلاقیت با کارکردهای ادراکی، فضایی-بینایی و حافظه اندازه‌گیری شدند. نمودار ۲ معادلات ساختاری الگوی عصب‌روان‌شناختی خلاق‌سازی را با ضرایب استاندارد نشان می‌دهد. در این مدل نتایج به این صورت به‌دست آمد که شاخص‌های برازش به‌ترتیب برای مجذور خی دو ($CFI=0.91$) با مقدار شاخص برازش تطبیقی ($CMIN=4/68$) محاسبه شد. ازطرفی مقدار شاخص برازش مقتصد هنجار شده ($PNFI=0.66$) و نیز ریشه میانگین مربعات خطای برآورد ($RMSEA=0.06$) به‌دست آمد که این مقادیر بیان می‌کند مدل حاصل برازش خوبی دارد؛ بنابراین مدل، به‌صورت کلی تأیید شده است. جدول ۳ ضرایب رگرسیونی برای مدل حاصل را نشان می‌دهد. یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد میان متغیرهای کارکردهای اجرایی با خلاق‌سازی ($\beta=0.36$, $p=0.003$) رابطه وجود دارد. همچنین میان خلاق‌سازی با کارکرد ادراکی ($\beta=0.30$, $p=0.003$)، حرکتی ($\beta=0.21$, $p=0.001$)، بینایی-فضایی ($\beta=0.36$, $p=0.003$) و حافظه ($\beta=0.24$, $p=0.003$) رابطه مشاهده می‌شود.

۴ بحث

هدف از پژوهش حاضر، طراحی الگوی عصب‌روان‌شناختی خلاق‌سازی ذهن در کودکان دارای اختلال یادگیری حساب نارسا بود. تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از معادلات ساختاری نشان داد که فعال‌سازی کارکردهای اجرایی در افراد دو سوگرا منجر به خلاق‌سازی ذهن شده و در نتیجه سبب بهبود کارکردهای ادراکی-حرکتی و بینایی-فضایی و حافظه می‌شود. این یافته با نتایج مطالعات آبخو دارستانی و استکی (۸)، شاه‌جویی و پیرخائفی (۹)، قمری (۱۰)، پیرخائفی و سجادی منز (۱۱)، دیویا سادانا و همکاران (۱۲)، اسپرت و همکاران (۱۳)، گونزالس کاریپو و همکاران (۱۴) و ناسبام و همکاران (۱۵) همسوست. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که علل زیادی برای اختلال ریاضیات مطرح شده که باتوجه به هریک از این علت‌ها، روش‌های آموزشی نیز متفاوت است. در بررسی علت عصب‌شناختی، تصاویر عملکردی نشان می‌دهد که در ابتدا لب‌های آهیانه‌ای و پیشانی در محاسبات ریاضیات درگیر می‌شوند. به‌عنوان مثال زمانی که کودک درگیر شمردن اعداد یا انجام محاسبات ترتیبی و زمانی پیچیده‌تر می‌شود، دیگر نواحی مغز نیز وارد عمل می‌شوند. ناحیه پیشانی مرکز تصمیم‌گیری است. کارکرد اجرایی بسیاری از عملکردهای عالی شناختی را هدایت می‌کند؛ به‌طوری‌که برای فعالیت‌های عالی شناختی مانند یادگیری، درک و برنامه‌ریزی، استدلال و تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. دانش‌آموزان دارای اختلال ریاضیات در تمام توانایی‌های کارکرد اجرایی مشکل دارند. نتایج به‌دست‌آمده از الکتروآنسفالوگرافی افراد حساب نارسا و گروه کنترل، مشخص کرد که افراد حساب نارسا در چهار منطقه مغزی (پیشانی، گیجگاهی، آهیانه‌ای، پس‌سری) در هر دو نیمکره راست و چپ الگوی مغزی متفاوتی دارند (۱۳).

مطابق با پژوهش شاه‌جویی و پیرخائفی (۹) چگونگی تأثیرگذاری کارکرد اجرایی روی روند خلاق‌سازی ذهن تابع دو فرضیه است: فرضیه اول: کارکرد اجرایی روی بیان و توان‌مندی ظرفیتی

درخواست‌های شناختی، تأثیر می‌گذارد؛ چراکه خلاقیت به‌نوعی تحمیل تقاضای شناختی برای نظریه ذهن است. این مهم با کارکرد اجرایی است؛ فرضیه دوم: علاوه بر تأثیرگذاری کارکرد اجرایی بر خلاقیت، روی بروز و ظهور آن تأثیر می‌گذارد. برای تأیید این دو فرضیه دلایلی را ذکر می‌کنند: اول، آشخور خلاقیت و کارکرد اجرایی از یک منطقه مغزی (کورتکس پیش‌پیشانی) است که فرآیندهای شناختی را درگیر می‌سازد؛ دوم، زمان خاص بروز و ظهور کارکرد اجرایی و خلاقیت است که هر دو به‌طور برجسته‌ای در سن قبل از مدرسه رشد می‌کند.

در پژوهش قمری (۱۰) که منطبق با پژوهش حاضر است، کارکرد اجرایی مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی بوده که مسئولیت راهنمایی، جهت‌دهی و مدیریت شناختی و هیجانی، جزئیات عملکرد رفتاری را طی فعالیت حل مسئله یا خلاقیت به عهده دارد. کارکردهای اجرایی اصطلاحی کلی بوده که تمامی فرآیندهای شناختی پیچیده را در انجام تکالیف هدف‌مدار دشوار یا جدید ضروری در خود جای می‌دهد و شامل توانایی ایجاد، است. درنگ یا بازداری و برنامه‌ریزی و بازنمایی ذهنی تکالیف به‌وسیله حافظه کاری است. آموزش و رشد کارکردهای اجرایی، نقش اساسی در گسترش توان‌مندی‌های اجتماعی و توانایی‌های تحصیلی دارد. یکی از کارکردهای اجرایی این کودکان که نارسایی معناداری داشته، کارکرد سازمان‌دهی است. این یافته در فهم سبب‌شناسی بسیاری از بی‌نظمی‌های رفتاری این کودکان در تنظیم وقت و استفاده مفید از آن و استفاده صحیح از فضای کاغذ به‌هنگام نگارش و عملکرد تحصیلی و نیز انجام تکالیف روزمره مشتمل است. به بیان دیگر ناتوانی کودک در سامان‌دهی تکالیف چالش‌انگیز، احتمالاً به‌علت ضعف کارکرد سازمان‌دهی است. کودکان حساب نارسا در کارکرد تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی ضعیف‌تر از همتایان عادی خود عمل می‌کنند. کارکرد تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی به کودک این امکان را می‌دهد تا دستیابی به تقویت‌کننده را به تأخیر بیندازد و به‌شیوه‌ای تکلیف‌مدار به انجام تکالیف درسی و فعالیت‌های روزمره بپردازد (۴). همچنین در مطالعه همسوی ناسبام و همکاران (۱۵) نشان داده شد که دستورعمل صریح مبنی بر تمرکز بر ایجاد ایده‌های خلاقانه باعث افزایش توانایی هوش و حافظه کاری بر عملکرد خلاقانه می‌شود. احتمالاً افراد خلاق‌تر کنترل شناختی قوی‌تری را نشان می‌دهند؛ بدین‌صورت که آن‌ها ممکن است رفتارها و فرایندها و فعالیت‌های ذهنی بارز و کلیشه‌ای اما نامرتب را بازداری کنند. این توانایی احتمالاً مربوط به بازداری مفاهیم یا ایده‌های معنایی واضح و معمولی اما نامرتبی است که در حین فرآیند تولید ایده خلاقانه اتفاق می‌افتد. احتمالاً کنترل شناختی که به‌معنای بازداری پاسخ‌های واضح اما ناکافی و کلیشه‌ای است بیشتر تولید ایده‌های بدیع (ابتکار) را تسهیل می‌کند و کمتر در کمیت ایده‌ها و توجه به جزئیات آن‌ها اثر می‌گذارد. همچنین کارکرد اجرایی بازداری با قابلیت سرکوب مفاهیم نزدیک جهت تسهیل مفاهیم دورتر در پیش‌بینی مؤلفه ابتکار و تا حدودی سیالی و بسط نقش دارد؛ بنابراین، این دو کارکرد اجرایی با همدیگر در تولید تفکر خلاق شرکت دارند. با ادغام این مدل با یافته‌های ارائه‌شده، می‌توان فرض کرد که کارکردهایی مانند تسلط و توانایی تغییر سریع حالت‌های

هریک از مؤلفه‌های کارکردهای اجرایی و غلبه مغزی و خلاق سازی ذهن بود. پیشنهاد می‌شود محققان در پژوهش‌های بعدی، از آموزش‌هایی که در مدت زمان کوتاه‌تر، بازده بهینه‌تری به همراه داشته، استفاده کنند. جلب همکاری دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. به دلیل اجرای پژوهش در شهرستان بندرانزلی، حجم نمونه بسیار محدود بود. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی، در حجم نمونه بزرگ‌تر و با انجام مراحل پیگیری صورت پذیرد.

۵ نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش در زمینه طراحی الگوی عصب‌روان‌شناختی خلاق سازی ذهن در بهبود کارکردهای ادراکی-حرکتی و بینایی-فضایی و حافظه چشمگیر بوده و لزوم توجه به این اختلال و تأثیر آن را در کارکردهای مذکور در سطح مدارس یادآور می‌شود. امید است به استفاده از این الگو و اقدام به موقع جهت درمان دانش‌آموزان مبتلا به اختلال مذکور با استفاده از مشاوران و روان‌شناسان آموزش دیده در سطح مدارس از طرف مسئولان توجهی خاص شود.

۶ تشکر و قدردانی

بدین وسیله از طرف نویسندگان مقاله از مسئولان آموزش و پرورش بندرانزلی و تمامی دانش‌آموزانی که ما را در اجرای این پژوهش یاری کردند، سپاسگزاری می‌شود.

۷ بیانیه

این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار با شماره نامه ۹۵۲۶ مصوب پروپوزال در شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه است. همچنین مجوز اجرای این پژوهش بر گروه مطالعه شده از سازمان آموزش و پرورش شهرستان بندرانزلی با شماره نامه ۱۷۱-۵-۰۳ صادر شده است. ضمناً نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ تضاد منافعی در رابطه با نویسندگی یا انتشار این مقاله ندارند.

ذهنی و بازیابی معنایی اطلاعات، می‌تواند به عنوان جنبه‌های شناختی در تولید تفکر خلاقانه مفید باشد. علاوه بر این، توجه متمرکز، توانایی دستیابی انتزاعی به اطلاعات، پردازش کارآمد و حافظه‌ای فعال می‌تواند از پیامدهای تفکر خلاقانه باشد. متخصصان عصب‌روان‌شناسی به این نتیجه رسیده‌اند که نیمکره چپ در تشخیص خصوصیات و تقلیل مجموعه به عناصر تشکیل دهنده دارای تخصص است و نیمکره راست در سازمان‌دهی عناصر نقش دارد. به عبارت دیگر نیمکره چپ معمولاً از پردازش سریالی به معنای عنصر به عنصر در هر لحظه استفاده کرده و نیمکره راست از پردازش هم‌زمان و براساس تشابه یعنی نوع پردازش نیمکره راست برای ادراک فضایی استفاده می‌کند. نیمکره چپ برای فعالیت‌هایی مانند زبان که از نظر زمانی سازمان‌دهی شده، مناسب‌تر است. واضح است که فقط یک نیمکره اطلاعات را پردازش نمی‌کند؛ برای مثال اطلاعات ریاضی فقط مربوط به نیمکره چپ نیست (۱۲).

این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بود؛ از جمله محدودیت‌های این پژوهش استفاده انحصاری از داده‌های خودگزارش‌دهی بود. واضح است چنین داده‌هایی در معرض سوگیری قرار دارند؛ همچنین با انتخاب نمونه از یک مقطع تحصیلی امکان تعمیم نتایج به دانش‌آموزان سایر مقاطع وجود ندارد؛ بنابراین در سطح نظری پیشنهاد می‌شود، محققان در پژوهش‌های بعدی علاوه بر داده‌های خودگزارش‌دهی از سایر داده‌های تکمیلی نظیر مصاحبه استفاده کنند. طراحی الگوی مشابه در سایر مقاطع نیز بررسی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود جهت تعمیم‌پذیری یافته‌ها، این پژوهش در سطح استانی و ملی صورت پذیرد. علاوه بر این، باتوجه به میزان شیوع اختلال یادگیری در بین دانش‌آموزان، در سطح عملی توصیه می‌شود، هر ساله استفاده از الگوی عصب‌روان‌شناختی، تشخیص به موقع و کاهش مشکلات یادگیری را در دانش‌آموزان به ارمغان آورد. در پژوهش حاضر باتوجه به محدودیت زمانی جهت اتمام پژوهش، امکان انجام مرحله پیگیری در مدت زمان طولانی‌تر مقدور نبود. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش، اختصاص مدت زمان طولانی به آموزش

References

1. American Psychiatric Association. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5®). Rezaee F, Fakhraie A, Farmand A, Niloufari A, et al. (Persian translator). Tehran: Arjmand Publication; 2013, pp:135-40.
2. Hamivand L. Barrasi moghayeseie dastanhaye koodakan tizhoosh va khalagh dar azmoon farafekan koodakan (C.A.T) [A comparative study of the stories of gifted and creative children in the Child projective Test (c.a.t)] [Thesis for M.Sc. in Psychology]. [Tehran, Iran]: Allame Tabataba'i University; 2011, pp:1-15. [Persian]
3. Barkley RA. ADHD and the Nature of Self-Control. New York: Guilford Press; 1997.
4. Bakker DJ. Treatment of developmental dyslexia: a review. *Pediatr Rehabil*. 2006;9(1):3-13. doi: [10.1080/13638490500065392](https://doi.org/10.1080/13638490500065392)
5. Herrmann N. The Creative Brain. Lake Lure: Brain Books; 1995, pp:275-300.
6. Groth-Marnat G. Handbook of Psychological Assessment. Pasha Sharifi H, Nikkhu M. (Persian translators). Tehran: Sokhan Publication; 2000, pp:46-50.
7. Lezak MD. Neuropsychological Assessment. New York: Oxford University Press; 1995.
8. Abkhoodarestani P. Rabete ghalabe tarafi karkardhaye ejraie va khalaghiat ba moshkel riyazi dar danesh amoozan moretabestan (Paye 3 va 4) [The relationship of side overcoming, executive functions, and creativity with mathematical problem in elementary school students] [Thesis for M.Sc. in psychology]. [Tehran; Iran]: Islamic Azad University of Tehran Center; 2016. [Persian]

9. Neshan Shahjoie B, Pirkhaefi A. Barrasi tasir amoozesh khalaghiat bar nimrokh asab ravanshenakhti edrak riyazi danesh amoozan [The effectiveness of creativity training on psychological profile of students' mathematical perception of mathematics]. In: Annual Conference on New Research Approaches in Humanities [Internet]. Iran, Tehran; 2016; p:1–13. [Persian] https://www.civilica.com/Paper-ACHCONF01-ACHCONF01_074.html
10. Ghamarigivi H. Comparison of executive functions among children with attention deficit hyperactivity disorder, learning disability and normal children. *Journal of Fundamentals of Mental Health*. 2009;11(44):33–322. [Persian] doi: [0.22038/jfmh.2009.1216](https://doi.org/10.22038/jfmh.2009.1216)
11. Sajjadimonazah H, Pirkhaefi A. Effectiveness of creativity therapy model on improving motivation and students' educational performance. *Research in School and Virtual Learning*. 2017;4(16):39–48. [Persian] http://etl.journals.pnu.ac.ir/article_3647_d014310c3b1574e03f96404a13ebe396.pdf
12. Sadana D, Rajeswaran J, Jain S, Kumaran SS, Thennarasu K, GS R, et al. The neuropsychology of creativity: A profile of Indian artists. *Acta Neuropsychologica*. 2017;15(2):143–60. doi: [10.5604/01.3001.0010.2406](https://doi.org/10.5604/01.3001.0010.2406)
13. Espert R, Gadea M, Alino M, Oltra-Cucarella J. Neuropsychology of Tourette's disorder: cognition, neuroimaging and creativity. *Rev Neurol*. 2017;64(s01):S65–72. [Spanish]
14. Gonzalez-Carpio G, Serrano JP, Nieto M. Creativity in children with Attention Déficit Hyperactivity Disorder (ADHD). *PSYCH*. 2017;8(3):319–34. doi: [10.4236/psych.2017.83019](https://doi.org/10.4236/psych.2017.83019)
15. Michael Nussbaum E, Bendixen LD. Approaching and avoiding arguments: The role of epistemological beliefs, need for cognition, and extraverted personality traits. *Contemporary Educational Psychology*. 2003;28(4):573–95. doi: [10.1016/S0361-476X\(02\)00062-0](https://doi.org/10.1016/S0361-476X(02)00062-0)
16. Bahador R, Nouhi E, Jahani Y. Quality of life and its related factors in patients with CHF, referring to Jiroft Imam Khomeini Hospital. *Iran Journal of Nursing*. 2017;30(105):23–33. [Persian] doi: [10.29252/ijn.30.105.23](https://doi.org/10.29252/ijn.30.105.23)
17. Coolidge FL, Thede LL, Stewart SE, Segal DL. The Coolidge Personality and Neuropsychological Inventory for Children (CPNI). Preliminary psychometric characteristics. *Behav Modif*. 2002;26(4):550–66. doi: [10.1177/0145445502026004007](https://doi.org/10.1177/0145445502026004007)
18. Madani S, Alizadeh H. Executive functions and effective strategies to improve them in students with Attention Deficit Hyperactivity Disorder. *Exceptional Education Journal*. 2018;4(153):55–63. [Persian] <http://exceptionaleducation.ir/article-1-1413-en.pdf>
19. Chapman LJ, Chapman JP. The measurement of handedness. *Brain Cogn*. 1987;6(2):175–83. doi: [10.1016/0278-2626\(87\)90118-7](https://doi.org/10.1016/0278-2626(87)90118-7)
20. Alipour A. The reliability and validity of Chapman's handedness inventory in junior high school students. *J Developmental Psychology*. 2006;2(7):197–206. [Persian] http://jip.azad.ac.ir/article_512423_cdb08934ccfd74cc4b846e6331ca9ac.pdf
21. Torrance EP, Goff K. A quiet revolution. *The Journal of Creative Behavior*. 1989;23(2):136–45. doi: [10.1002/j.2162-6057.1989.tb00683.x](https://doi.org/10.1002/j.2162-6057.1989.tb00683.x)
22. Abedi A, Jabal Ameli J, Hadipoor M. A comparative memory profile of students with mathematics learning disabilities, based on NEPSY test, and control group. *Journal of Research in Behavioural Sciences*. 2011;9(3):206–15. [Persian] <https://rbs.mui.ac.ir/article-1-203-en.pdf>
23. Wechsler D. Wechsler Intelligence Scale for Children (WISC-IVCDN). 4th ed. Toronto: The Psychological Corporation; 2003. pp:221–334.
24. Abedi A. Investigation of effectiveness of neuropsychological interventions for improving academic performance of children with mathematics learning disabilities. *Advances in Cognitive Science*. 2011;12(4):13–24. [Persian] <http://icssjournal.ir/article-1-173-en.pdf>
25. Mohammadesmaeil E, Hooman HA. Adaptation and standardization of the Iran Key-Math Test of Mathematics. *Journal of Exceptional Children*. 2003;2(4):323–32. [Persian] <http://joec.ir/article-1-477-en.pdf>
26. Cratty BJ. Social Dimensions of Physical Activity. Prentice-Hall; 1967, pp:106–39.
27. Kordi MR. Barrasi va moghayese tavanaiehaye edraki-harekati danesh amoozan 9 va 10 sal shomal va jonoob shahr Tehran va moghayese anan ba danesh amoozan ham sen Americaie [Study and Comparison of Cognitive-Motor and Physical Abilities of 9 and 10 Year-Old Students in North and South of Tehran and Comparing them with American Students]. *Olympic*. 2000;8(15):119–28. [Persian]
28. Corsi PM. Human memory and the medial temporal region of the brain [PhD Dissertation]. [Montréal, Canada]: McGill University; 1973. pp:69–78.
29. Mobin SF. Tasir tamrinat tarkibi basketball bar hafeze kari, edrak omgh va yadgiri maharat pass dar koodakan bish fa'al [The effect of combined basketball training on working memory, depth perception and learning pass skills in hyperactive children] [Thesis for M.Sc in Physical Education]. [Tabriz, Iran]: Tabriz University; 2015. [Persian]
30. Alloway TP, Gathercole SE, Kirkwood H, Elliott J. The working memory rating scale: A classroom-based behavioral assessment of working memory. *Learning and Individual Differences*. 2009;19(2):242–5. doi: [10.1016/j.lindif.2008.10.003](https://doi.org/10.1016/j.lindif.2008.10.003)